هو الله - اللّهمّ يا الهی و محبوبی و مطلوبی و مقصودی…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٢٩

### هو الله

اللّهمّ يا الهی و محبوبی و مطلوبی و مقصودی انّ هذا يوم‌ الاوّل من الرّضوان قد اتی بفرح و سرور و روح و ريحان فالارياح قد هبّت و الغيوم فاضت و الشّمس اشرقت بفضلک و بسطت ريح الصّبا فی هذا الرّبيع علی السّهول و الحزون بفيضک المشکور زرابيّة سندسيّة ينعکس منها ابدع الوان عبقريّة مرصّعة بحلل الزّهور و الاوراق الّتی تخطف نضرتها الابصار و النّسيم رخيم و المعين نمير و الرّوض انيق و الأيک نضير و الغمام مطير و الکوکب منير بفيض جودک و عطائک فاصبحت الغبراء خضراء بعنايتک و البسيطة جنّة المأوی برحمتک اذ اتی يا الهی يومک الرّضوان بعظمة و سلطان و کوکبة تملأ الامکان و موکبة من الرّوح و الرّيحان و خيّم فی قطب الافاق بسطوع انوار الاشراق و ساق جيوشه و بعث جنوده‌ الی المشارق و المغارب فی قطب الجنان فامتلأ قلب احبّائک فرحاً و سروراً و انجذبوا بنفحاتک طرباً و حبوراً فقاموا علی ثنائک شوقاً و توقاً و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً و لک الحمد يا الهی علی ما انعمت و لک الشّکر يا منائی علی ما اکرمت و لک المنّ يا محبوبی علی ما اعطيت الهی الهی انت المقصود فافتح علی وجوه احبّائک فی هذا اليوم المشهود ابواب الفضل و الجود و انشر علی رؤوسهم شراع الهدی فی السّفينة الحمراء و احشرهم تحت راية الفضل و العطاء و انزل عليهم آية ‌التّأييد فی قطب‌ الانشاء ربّ ربّ اجعلهم نجوماً باهرة و سرجاً ساطعة و کواکب لامعةً و شهباً ثاقبةً حتّی يقوموا علی خدمة امرک بين خلقک و ايقاد نار محبّتک فی قلوب بريّتک و نشر آثارک فی بلادک و تربية النّفوس فی مملکتک فتمتدّ فی الأرض مائدة سمائک و يصبح الامکان جنّة الابهی بقدرتک و الغبراء غبطةً للخضراء بفيض حکمتک . اللّهمّ اجعل احبّائک ملائکة سمائک فی ارضک و اصفيائک حزب ملکوتک فی ملکک هذا منتهی امل عبدک الّذی خضع لسلطانک و سجد ببابک و تذلّل لعزّتک و اکبّ بوجهه علی التّراب لسلطنتک انّک انت الکريم الرّحيم العزيز الوهّاب .

ای ياران روحانی عبدالبهآء در اين دم که کوکب عيد رضوان از مشرق امکان درخشنده و تابان و جهان از وجد و طرب در نهايت روح و ريحان جذب و سرور است وله و حبور و تجلّی يوم مشکور شادمانی است و کامرانی روحانی است و وجدانی نغمه و آهنگ است و ترانهٔ چغانه و چنگ از هر جهت آثار فرح ظاهر و از هر سمت انوار جذب و وله باهر ياران الهی در نهايت شادمانی و اصفياء رحمانی در منتهای کامرانی زيرا يوم خروج اسم‌ اعظم است در عراق از مدينة‌ الله به حديقهٔ نوراء و حضرت مقصود در آن يوم مشهود در نهايت فرح و سرور بودند. لهذا اشراق آن بشاشت ملکوت وجود را احاطه نمود و در آن روز فيروز اعلآء کلمة‌ الله بر جميع امکان گشت . پس ای ياران الهی در اين عيد مبارک بايد کلّ چنان وجد و سروری نمائيد که ملکوت وجود را به حرکت آريد. لهذا عبدالبهآء به بشارت کبری فائز و نهايت تضرّع و ابتهال را به درگاه جمال‌ابهی مينمايد که جميع ياران را به روح و ريحان آرد و سرور و شادمانی بخشد …

